

نوع مقاله: پژوهشی

## خاستگاه درختان مقدس؛ مطالعه موردی درختان مقدس در ایران

nasiri@sku.ac.ir

کلیه ولی الله نصیری / استادیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه شهرکرد  
خلیل حکیمی فر / استادیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه سیستان و بلوچستان  
دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۷ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۲

### چکیده

براساس پژوهش‌های صورت‌گرفته، اعتقاد به درختان مقدس کمابیش در سراسر جهان و با دلایل متعدد وجود دارد. در فرهنگ عامه ایرانیان نیز برای برخی از گیاهان و درختان نیرو و خواص و تقدس خاصی قائل بوده‌اند. در ایران کمتر محلی است که نمونه‌ای از درختان مورد احترام را نداشته باشد. این درختان گوناگون، در باور عامه مردم ویژگی‌هایی کم‌وبیش یکسان دارند؛ از جمله اینکه بریدن آنها و حتی شکستن شاخه‌هایشان سبب نابودی یا زیان‌های مهم برای شکننده دربرخواهد داشت. این درختان برآورنده حاجات نیازمندان بوده، در دفع برخی امراض و چشم زخم مؤثرند. نتایج نشان می‌دهند که به‌طور کلی، اعتقاد به درختان مقدس در ادیان خدایاور و غیر خدایاور متفاوت است. در میان مسلمانان، تقدس درختان خاص، بیشتر با تجلی خدا و جایگاه ارواح پاک اولیا و عرفا یا با مقبره‌های آنان یا با اعمال و وقایع زندگی پیامبران و رهبران مذهبی مرتبط است؛ اما در ادیان خداناباور، تقدس درختان به جایگاه ارواح و الهه‌ها، و در عمل به سطح جادوگری و طلسم تقلیل یافته است. جستار پیش‌رو با استفاده از منابع مکتوب و با شیوه توصیفی تحلیلی صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: درخت، مقدس، ایران، اساطیر.

درختان با پای در خاک و سر در آسمان، هم عامل پیوند جهان زیرین، دنیای میانی و عالم برین هستند و هم «حیات و تقدس در دنیای مادی و کیهانی را در خود متجلی می‌سازند» (فرز و گری، ۱۹۹۵م، ص ۱). در بسیاری از موارد، درخت با وجود بی‌حرکی، نمادی از رشد و تکامل، نماد برکت و باروری، نماد مخلوقات مقدس و حتی خدا در نظر گرفته می‌شود. درختانی که در نظر معتقدان نشانگر خدایان و نیاکان خاصی هستند، به‌عنوان واسطه یا نقطه اتصال با قلمرو دین به‌کار می‌روند و با عقاید مربوط به بهشت یا آخرت مرتبط‌اند. یک درخت منحصر به‌فرد یا گونه‌های یک درخت خاص، از طریق این رابطه یا به‌واسطه نقاط عطف تاریخی، اهمیت و معنای نمادین خود را به‌دست می‌آورد. با این اوصاف است که درختان و گیاهان در همه جای زندگی ما، از باغچه خانه و محیط زندگی مان گرفته تا باور، خاطره، آیین، اساطیر، مذهب، ادبیات و فلسفه ما بوده و هستند. تا همین امروز هم ردپای حضور نیرومند این عنصر در آیین‌های مربوط به نوروز، ازدواج و زایمان در اغلب فرهنگ‌های جهان مشهود است.

پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه به بررسی برخی ویژگی‌ها و علل تقدس برخی درختان در شرایط و مکان‌های مختلف پرداخته‌اند. بهرامی (۱۳۹۳) در نوشتاری کوتاه با عنوان «بررسی پدیده درختان مقدس» به ذکر و توصیف برخی درختان مقدس در دوره اساطیری بر اساس متون پهلوی پرداخته است. صدقه (۱۳۷۸) در مقاله «درخت در اساطیر کهن» نماد درخت و ارتباط آن با برخی پدیده‌ها مثل مار و آب و مفاهیمی چون معرفت را بررسی کرده است. مقاله «بررسی تطبیقی مفهوم نمادین درخت در ایران» در جست‌وجوی تأثیر و اندیشه حکمت ایران باستان بر ایران اسلامی بر اساس آنچه در درخت متجلی شده، بوده است. فریود و طاووسی (۱۳۸۱) نویسندگان این مقاله با تکیه بر برخی متون دینی، عرفانی و ادبی، مفاهیم عمیق و نمادین درخت را کاویده‌اند. جستار پیش رو ضمن بررسی پدیده درختان مقدس در زندگی انسان و تاریخ ایران، در پی یافتن منشأ تقدس درختان خاص در قلمرو یادشده به‌شیوه توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع مکتوب است.

## ۱. منشأ تقدس درخت

مطابق گزارش‌ها، درخت‌پرستی تقریباً در میان همه طوایف بزرگ اروپایی آریایی‌تبار وجود داشته است (فریزر، ۱۳۸۸، ص ۱۵۲). وجود بلوط‌پرستی در بین سلت‌ها، بیشه‌زارهای مقدس در آلمان و سوئد، پرستش بیشه‌ها و درختان نزد اسلاوها، درخت‌پرستی نزد یونانی‌ها، ایتالیایی‌ها و لیتوانی‌ها، تقدس درخت انجیر در روم، پرستش درختستان مقدس نرده‌ای‌شکل نزد فنلاندی‌ها، تنها نمونه‌هایی از موارد قابل ذکر در اینجاست (همان، ص ۱۵۲-۱۵۴). به گفته جرج فریزر در کتاب *ساخته زرین*، از نظر بومیان قدیم این سرزمین‌ها، درختان روح داشتند و قطع یک درخت صنوبر به دردناکی کشتن یک جاندار بود (همان، ص ۱۵۳). اگر شیره درختی را می‌مکید، روح درخت با تو برادر می‌شد (همان، ص ۱۵۴). در بسیاری از قبایل، زنان آبستن دست خود را به دور تنه درخت لیمو یا نارون می‌انداختند تا زایمان راحتی داشته باشند و «گالاها» دور درختان مقدس، دونفره می‌رقصیدند و برای خوب

بودن محصول دعا می‌کردند. از نظر آنها سایه نوعی سپیدار، اگر کاملاً گسترده می‌شد، می‌توانست در بعضی کارها بومیان را کمک کند (همان، ص ۱۶۱-۱۶۲). در میان همه اقوام کهن، برخی درختان مقدس بوده‌اند و برخی مقدس‌تر. درخت زبان‌گنجشگ برای مردم اسکانیناوی، درخت لیمو برای مردم آلمان و درخت انجیر برای هندوان، از تقدس بیشتری برخوردار بوده‌اند. پیوند میان خدایان و درختان در داستان‌های اساطیری کاملاً مشهود است. برای نمونه، می‌توان به پیوند آتیس با صنوبر، ازیریس با سرو، ژوپیترا با بلوط، آپولون با درخت غار و همانند اینها اشاره کرد (سیرلو، ۱۳۹۲، ص ۳۸۷). نقش درخت در زندگی انسان‌ها بستگی به نماد و معنای آیینی آن در زندگی مردم دارد. نمادپردازی درخت، بر جاودانگی، زندگی کیهانی و باروری، تکثیر و تولید دلالت می‌کند (همان، ص ۳۷۸-۳۸۸). بر اساس نظر میرچا *الیاده*، مفهوم زندگی بی‌مرگ، از جهت هستی‌شناسانه، همان مفهوم «حقیقت مطلق» است و در نتیجه درخت را می‌توان نماد حقیقت مطلق دانست (الیاده، ۱۹۵۴م، ص ۱۵۲). در شرق، مخصوصاً در هندوستان نیز درخت جایگاه مهمی در زندگی مردم دارد و احترام به آن در میان هندوان حالتی قدسی به آن داده است. در وداها به رستنی‌هایی همچون درختان و گیاهان و اهمیت و محافظت آنها اشارات زیادی شده است، در سراسر هند مردم از درختان زیادی برای دفع بلا و دور کردن چشم بد استفاده می‌کنند؛ برای مثال قبایل چادرنشین راجستان برگ‌های درخت (Bilatisij) را به گردن کودکان گره می‌زنند تا آنها را از چشم بد محافظت کند (مقدم ماهری، ۱۳۹۴، ص ۹۶، به نقل از: جیت، ۲۰۰۰م، ص ۱۱). *الیاده* می‌گوید: «نگاره تجلی خدا در درخت، یکی از گسترده‌ترین نگاره‌های رایج، و مضمون آن یکی از مضامین بسیار متداول در هنر تجسمی شرق باستان بوده است. موارد مشابه به این را می‌توان در سراسر بین‌النهرین و مصر باستان نیز مشاهده کرد (الیاده، ۱۳۹۴، ص ۲۶۹). فیشر نیز بر ظهور خداوند در نگاره‌های درخت انجیر در «موهنجو دارو» در هزاره سوم ق.م تأکید دارد و آن را نشانه وجود باورهای گسترده به تقدس درختان در میان هندوان باستان می‌داند (فیشر، ۱۳۸۳، ص ۲۰). تقدس گیاه سوما نزد هندوان نیز می‌تواند ریشه در تقدس درخت و توت‌پرستی گیاهی داشته باشد. اعتقاد به باروری و بچه‌دار شدن زوج هندی پس از کاشتن درخت انجیر و انبه توسط آنها، بیانگر وجود مناسبات سری میان درخت و نوع بشر است (الیاده، ۱۳۹۴، ص ۲۸۷). قداست و پرستش درخت در اسطوره‌های یونان و روم هم سابقه دارد. تقدس درخت در باور یونانیان موجب شده است که ایزدان و الهگانی به درختان مشخص اختصاص دهند؛ که الهه‌هایی چون هلن، دافنه، آرتمیس و... از آن جمله‌اند. دیونیزوس، خدای تاک نیز یکی از این ایزدان است. یونانیان معتقد بودند که روح او پس از مرگش در تاک‌بن حلول کرده است (همیلتون، ۱۳۸۷، ص ۸۰).

در اسطوره‌های بابل نیز پرستش ایزدان درختی، بیانگر قداست و ربوبیت درخت در باورهای بین‌النهرینی است که از جمله آنها می‌توان به گشتین (Geshtin)، ایزدانوی تاک (در اسطوره‌های کهن "شاید به دلیل تقدس شراب" برای تاک، ایزد یا الهه‌ای قائل بوده‌اند که هم‌زمان با تغییر فصول، مراسمی آیینی برای آن برگزار می‌کرده‌اند. نمونه بارز آن، دیونوسوس و گشتین، احتمالاً معادل بین‌النهرینی آن است) و ایزد مهم درخت، «تموز» — که معادل

«سیاوش» در اساطیر ایرانی (در واقع سیاوش نماد قربانی انسان برای زمین و بازماندهٔ آیین دموزی است (خجسته و حسنی جلیلیان، ۱۳۸۹، ص ۹۰)) است - یا نام اصیل ترش «دمُوزی»، فرزند نین گیشزیدا (Ningishzida)، خداوندگار چوب اشاره کرد (ژیران و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۸۴). درخت زندگی در بابل باستان را درخت اِثا (Ea) یعنی پدر سایر رب‌النوع‌ها می‌دانستند. خوردن از میوه باعث عمر جاودانه می‌شد، بر اساس همین تفکر بود که مسئلهٔ درخت زندگی (ephedra) در تورات شکل گرفت (لیچر، ۱۹۳۷م، ص ۳۶۹).

در کل، درخت در باورهای اساطیری نماد آفرینش و مظهر حیات و زندگی است، در بین همه انسان‌ها درخت مشخصی را درخت کیهانی و محور جهان می‌دانند، این درخت به‌ویژه در اساطیر و افسانه‌های آسیا، استرالیا و آمریکای شمالی دیده می‌شود. این درخت دارای دو حالت است: حالت عمودی که پیوندهندهٔ قلمرو مادی و انسانی با قلمرو الوهی و قدسی است و الهامات و پیشگویی‌ها و به‌طور کل، هر نوع ارتباط با عالم برین مربوط به آن است؛ و حالت افقی که منبع حیات، رویش و باروری در مرکز زمین است. درخت افقی در مرکز جهان کاشته شده است و توسط نگهبانان ماورای طبیعی محافظت می‌شود. این درخت منبع حاصلخیزی و زندگی زمینی است و میوهٔ آن جاودانگی بخش است. در اغلب داستان‌های حماسی، قهرمانان به‌دنبال دستیابی به این درخت هستند و در مسیر خود به موانع بسیاری برخورد می‌کنند (Encyclopedia Britannica).

در ادبیات کتاب مقدس، اولی درخت معرفت و دومی درخت حیات نام دارد. در سفر تکوین، خداوند آدم را از خوردن میوهٔ این درخت منع کرد تا او دچار مرگ نشود (پیدایش، ۲: ۹). درخت زندگی و مرگ در تورات تاک بوده است؛ چون شراب که از تاک به‌دست می‌آید، در ادیان کهن رمز حکمت، جاودانگی و زندگی ابدی بوده است (صدقه، ۱۳۷۸، ص ۴، به نقل از: La mishna). در اسطورهٔ هندی، درخت کیهانی به‌صورت درخت واژگون بیان شده است؛ به‌گونه‌ای که ریشه‌های آن در بالا و شاخه‌هایش در پایین قرار دارند. شاخه‌ها نمودار سلسله‌مراتب هستی و اشاره به مقاماتی است که انسان بر حسب کردار خویش به‌دست می‌آورد (شایگان، ۱۳۶۲، ص ۳۲۸-۳۳۰).

در اندیشهٔ چینی‌ها، درخت کیهانی رکن عالم، محور جهان و نگاه‌دارندهٔ کیهان است (الیاده، ۱۳۹۴، ص ۲۸۶). در اندیشه‌های یونانی، درخت کیهانی درخت بلوط است که به‌واسطه قدرت الهی از طول عمر و استواری بهره‌مند است (بوکور، ۱۳۹۴، ص ۲۲). نزد یهودیان هفت شاخهٔ شمعدان همچون درختی است که دارای تنه و محور است و هفت شاخه نماد هفت سیاره است (همان، ص ۱۵). در باور مسیحیان، «صلیب عیسی بسان درختان کیهانی هفت گره دارد که نمایشگر هفت طبقهٔ آسمان و نیز عامل پیوند زمین به آسمان است. مسیحیان معتقدند روان‌های بشر از صلیب عیسی به آسمان صعود می‌کنند» (الیاده، ۱۳۹۴، ص ۲۸۲). در اندیشهٔ مسیحیان، درخت حیات در جلجتا کاشته شده (صدقه، ۱۳۷۸، ص ۱۴۴) و صلیب، از آن درخت بهشتی تراشیده شده است. از این‌رو صلیب نماد رستگاری و معرفت است. در اساطیر بین‌النهرین درخت تاک، در اساطیر چینی «ایگدرازیل» (Yggdrasil) و در اساطیر هندی درخت انجیر درخت معرفت‌اند؛ زیرا بودا در کنار آن به اشراق رسید (ایونس، ۱۳۸۱، ص ۲۵۶).

در اساطیر یونانی با صدای برگ‌های آسمانی درخت بلوط، زئوس غیب‌آموز با غرش تندر خود، مردم را گرد هم می‌آورد (بوکور، ۱۳۹۴، ص ۲۲). در بین‌النهرین درخت کیهانی ترکیبی از درخت سدر، نخل، تاک و انار است (بوکور، ۱۳۹۰، ص ۱۳).

تمام موارد ذکر شده تنها بخشی از اعتقادات مردم جهان به درخت به‌عنوان پدیده‌ای مقدس است. معلوم می‌شود که درختان مقدس در جوامع سنتی در اصل با در نظر گرفتن ارتباط معنوی آنها با ماورای طبیعت تقدس یافته‌اند. به عبارت دیگر، تقدس درختان مقدس مربوط به نیروی الهی پنهان در روح افراد مقدس است که گویی در این درختان سکنی گزیده‌اند. بنابراین، درختان مقدس نه به‌لحاظ درخت بودنشان، بلکه به‌واسطهٔ اینکه نمایندهٔ چیز دیگری هستند، یا بر اساس این اعتقاد که آنها از نیروی خاصی برخوردارند یا محل زندگی موجودات متعالی هستند، پرستش شده‌اند. به‌لحاظ نمادگرایی، درخت نه‌تنها نماد عالم هستی، بلکه نماد زندگی، جوانی، فناپذیری و حکمت است. به عبارت دیگر، یک درخت از منظر یک فرد معتقد به آن، یک حقیقت واقعی و مقدس است. درعین‌حال، عمر طولانی درختان نیز می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد. *الیاده* تصریح می‌کند که این پندار دربارهٔ بیشتر درختان کهنسال وجود داشته است که گویا آنها عمری جاودانه دارند یا دست‌کم دورهٔ عمرشان چندین برابر انسان‌ها بوده است و نیاکان پرستندگان، چندین نسل در سایهٔ همان درخت مقدس زندگی کرده‌اند (الیاده، ۱۹۵۹، ص ۲۷۶). البته اعتقاد مردم به درختان خاص، به‌ویژه درختان کهنسال، در جوامع خدایاباور متفاوت با جوامع خداناباور است؛ چراکه بن‌مایه‌های اعتقادی افراد در این زمینه نیز تعیین‌کننده و جهت‌دهنده هستند؛ اما به‌رحال تشخیص «ارواح»، «شیاطین» و «اجنه» از «الپه‌ها»، «ایزدان» و «خدایان» به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. گوپتا تلاش می‌کند «درخت خدا» را که پرستش آن دارای آیین‌های مشخصی است، از «درخت روح» که تمسک به آن به سطح جادوگری و طلسم تقلیل یافته، متمایز کند. از نظر او، در خاورمیانه و شمال آفریقا ممکن است درختان خاصی به‌عنوان جایگاه اجنه، شیاطین یا ارواح در نظر گرفته شوند؛ اما این قدرت‌های فوق طبیعی هرگز به‌عنوان یک «خدا» پرستش نشده‌اند و هیچ آیین مذهبی در ارتباط با این درختان یا نزدیک به آنها اجرا نمی‌شود (جپت، ۱۹۶۵، ص ۱۹).

## ۲. میثاق با درختان مقدس از طریق گره زدن به آنها

رسم گره زدن پارچه (و همچنین اشیای دیگر مانند نخ، مهره، مو، زنجیر، قفل و دیگر وسایل شخصی) بر روی درختان مقدس، تقریباً فراتر از مرزهای مذاهب، جغرافیا و زمان است. یکی از مهم‌ترین کارکردهای گره، در ارتباط با مفهوم بنیادی «میثاق» بود. خود میثاق در صورت تحقق می‌توانست به وحدت منجر شود. گره می‌توانست در حکم نشانی از میثاق اطمینان‌بخش باشد که در برخی موارد به‌شکل جادو بر ضد کسی که ناقض میثاق است، عمل کند. گره زدن پارچه‌ها به درختان مقدس در آیین‌های درمانی، آغاز، ازدواج و مرگ، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. درختان به‌کار رفته در هر یک از این زمینه‌ها، معنای قدسی دارند و بیانگر اعتقاداتی هستند که از طریق مناسک مورد توجه قرار می‌گیرند. سؤال این است که مردم چگونه می‌توانستند با این درختان مقدس میثاق داشته

باشند؟ بدیهی است که با از بین بردن برخی از لباس‌ها و اشیای باارزش خود و قرار دادن آنها بر روی درخت. برای مثال، پدر، مادر یا یکی از نزدیکان فرد بیمار به درخت مقدس مراجعه می‌کردند و با او عهد می‌بستند که اگر بیمارشان بهبودی حاصل کند، در پای آن درخت قربانی پیشکش خواهند کرد و به‌عنوان نشانهٔ میثاق، تکه‌ای از لباس بیمار را بر روی درخت گره می‌زدند. این، نماد آمادگی آنها برای یک معاملهٔ بزرگ بود. بنابراین لباس‌ها یا پارچه‌هایی که بر روی درختان مقدس باقی مانده‌اند، راه ارتباط میان فرد حاجتمند با نیروی مقدس و متعال هستند (دافنی، ۲۰۰۲م، ص ۳۱۷).

### ۳. منشأ تقدس درخت در ایران

#### ۳-۱. پیش از اسلام

احترام به طبیعت و درخت و محافظت از آن، نزد ایرانیان از اهمیت والایی برخوردار بوده است؛ به‌گونه‌ای که درختان نشانهٔ زندگی، آفرینندگی و باروری، و هنگام خشکسالی به‌عنوان نماد پایداری در مقابل دیو بدیمن قحطی بوده‌اند. در فرهنگ ملت ما، درخت افکندن از شکار نیز بدتر است. اگر شکار انسان را به فقر می‌کشاند، درخت افکندن عمر را کوتاه می‌کند (صدقه، ۱۳۷۸، ص ۶۰ یادداشت مترجم).

درخت‌افکن بود کم‌زندگانی به درویشی کنند نخجیربانی

در روستاهای سیرجان این ضرب‌المثل رایج است که «سَرَبُر و تَرَبُر و صیاد، ندارند ظفر» (فرهادی، ۱۳۷۲، ص ۷). در اساطیر ایران باستان آفرینش نخستین زوج بشری بدین صورت است که «مشی» و «مشیان» از نطفهٔ کیومرث که بر زمین ریخته بود، به‌شکل گیاهی پیوسته‌به‌هم (ریباس) پدیدار می‌شوند و این دو با هم درختی را تشکیل می‌دهند و ده نژاد بشر را به‌وجود می‌آورند (بهار، ۱۳۶۹، ص ۸۲-۸۳).

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در باورهای اساطیری، اعتقاد به درخت کیهانی یا هستی تا حدی از عمومیت برخوردار بود. این درخت نزد ایرانیان عبارت است از: درخت آسمانی یا کیهانی؛ و درخت زمینی یا درخت زندگی. درخت کیهانی هوم (Haoma) سپید است که بر روی کوه البرز (کوه مقدس و محور جهان) می‌روید و درخت زندگی هوم زرد است که زمینی است و انعکاسی از هوم آسمانی به‌شمار می‌رود (سیرلو، ۱۳۹۲، ص ۳۸۸-۳۸۹). درخت کیهانی داری هفت شاخه از طلا، نقره، مفرغ، مس، قلع، فولاد و آلیاژی از آهن است و مظهر تاریخ هفت‌گانه و هفت ستاره‌ای است که هر یک موکل یک هزاره‌اند (کوپر، ۱۳۹۸، ص ۱۵۴). میوهٔ این درخت خوراک فرشتگان در بهشت، و شربت این میوه همان شربت «هوم» معروف در اوستای زرتشتی است. درخت زمینی همان درخت بس‌تخمه یا هزارتخمه (مینوی خرد فصل ۴۲، فرنبخ‌دادگی، ۱۳۹۰، ص ۷۳) است که دانه‌های آن «مایهٔ تغذیهٔ همهٔ موجودات زنده» است (همان). درخت هوم درخت زندگی و تجدید حیات در سنت‌های ایرانی است (الیاده، ۱۳۹۴، ص ۳) و ایرانیان «نوشابهٔ گیاه هوم را دورکنندهٔ مرگ و آگاهی‌آور» می‌دانستند (خجسته و جلیلیان، ۱۳۸۹، ص ۹۲).

به اعتقاد آنان، روحانیت و قدرت معنوی زرتشت به واسطه درخت هوم به وی منتقل شده است (کرتیس، ۱۳۸۷، ص ۱۷۷).

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، درخت هوم در ایران باستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. درخت هوم در ایران باستان کاملاً شبیه درخت سومه در هند است و آن را اکنون با «افدرا» یکی می‌دانند (هینلز، ۱۳۹۱، ص ۵۱). این گیاه به صورت عادی نیرو می‌بخشد و شفا می‌دهد؛ چه رسد به وقتی که بر آن دعا بخوانند و آن را تقدیس کنند. گفته شده است که هر یک از چهار مردی که نخستین بار هوم را فشرده، مشمول این موهبت شد که صاحب فرزندی عالی‌قدر گردد؛ به ویونگهونت یمه، به ائویه ثرئوتونه، به ثرئته کرساسپه، و به پوروشسپه زرتشت عطا گردید (همان). براساس اسطوره‌های ایرانی، گوهر تن زرتشت به دست خرداد و مرداد (دو مرداد امشاسپند اهورایی) از آب و گیاه ساخته شد و وقتی که زرتشت به سی سالگی رسید و «هومن» از سوی نیمروز (جنوب) بر وی نازل گشت و او را برای نخستین گفت‌وگوهایش با خداوند به عالم بالا (گرزمان و عرض اعلی) برد، اهورامزدا در این سفر آسمانی و معنوی، درختی را به زرتشت نشان داد و گفت: این درخت عبارت است از گیتی؛ و هفت شاخه فلزی‌ای که از آن سر زده، هفت دوره آینده جهان است (پورخالقی، ۱۳۸۷، ص ۹۸).

در باورهای مانوی هم درخت زندگی با درخت کیهانی پیوند یافته و به گونه درختی تناور با سه ساقه یا شاخه اصلی نموده شده است که نموداری از سه دوره کیهانی است (اسماعیل پور، ۱۳۸۷، ص ۲۸۹). درخت سدر هم با عقبه طولانی به عنوان یک درخت مقدس در فرهنگ کهن بابل و آشور به ایران ساسانی رسید و از آن پس در دوره اسلامی به عنوان نماد سجاده‌های نماز بر روی آنها نقش بست (لیچر، ۱۹۳۷، ص ۳۷۰).

از بین درختان، درخت انجیر، انار، بلوط، چنار، سرو و تاک از احترام و قداست برخوردارند. در برخی از مناطق ایران مانند ایلام، درخت انجیر از درختان پهلستی و مقدس شمرده می‌شود که هرگز نباید آن را برید. این دیدگاه نیز در بعضی سنت‌های دیگر، از جمله سنت یهودی، سابقه دیرینه دارد؛ به طوری که هرگاه ضرری به درخت انجیر می‌رسید و میوه‌اش می‌ریخت، یا درخت معیوب می‌شد، آن را نشان درد و بلاهای هولناک می‌دانستند (هاکس، ۱۳۴۹، ص ۱۱۰). باور قدسی در خصوص درخت انجیر باعث شده است که در برخی مناطق حتی معجزاتی به آن نسبت دهند.

درخت انار به دلیل سرسبزی و پربانگی، گیاهی پربرکت و مقدس شمرده می‌شد که نماد باروری بوده است (فروه‌وشی، ۱۳۵۵، ص ۶۵). شاخه و میوه درخت انار همواره نزد زرتشتیان مقدس بوده است و ایشان در مراسم خود آنها را به کار می‌گیرند. در واقع، گیاه مقدس و آیینی برسوم، همان ترکه‌های درختان انار است که معمولاً در آتشکده‌ها کاشته می‌شد (پورداد، ۱۳۴۳، ص ۲۷۴).

درخت بلوط نیز از دیگر درختانی است که آن را به سبب سبز بودن همیشگی، ثمربخشی، صلابت و نوشدگی مکررش، دارای قدرت، حرمت و جنبه‌هایی از قداست پنداشته‌اند. این پنداره در میان مردم ایلی - عشیره‌های ایران،

بازتاب درک و دریافت شهودی از همه اجزای درخت مانند چوب، پوست، برگ، میوه و صمغ، در کنار تجارب مذهبی مردمان این جوامع است که به رمزپردازی در خصوص زاینده‌گی، بی‌مرگی و باروری درخت پرداخته‌اند (همان).

### ۲-۳. در دوره اسلامی

جایگاه درخت در ایران قبل از اسلام، به دوران ایران اسلامی نیز سرایت کرده است. درخت بهشتی طوبی یا سدره‌المتهی (نجم: ۱۶) شباهت بسیاری با درخت کیهانی یا هوم در اساطیر ایران باستان دارد. در مقابل آن، درخت زقوم در جهنم است که از آتش جهنم می‌روید. وجود این شباهت را می‌توان در آثار شیخ اشراق سهروردی که در آثار خود در پی زنده کردن حکمت الهی ایران باستان در ایران اسلامی بود، مشاهده کرد (ر.ک. شایگان و کرین، ۱۳۷۳، ج ۲).

در فرهنگ ایرانی، درختان چنار، سرو و تاک از حرمت بیشتری برخوردار بوده‌اند. درخت سرو نماد جنس نر و درخت خرما نماد جنس ماده بوده است. در اغلب اماکن مذهبی ما دست‌کم یک چنار هست و نقش سرو در ادبیات و هنرهای تجسمی ما بیشتر خودنمایی می‌کند. این رسم که از درخت به‌عنوان نماد زندگی در مراسم تدفین جنازه استفاده شود، به‌مرور در دوره صفویه در مراسم تاسوعا و عاشورا دوباره‌سازی شده و به‌شکل نمادین آن، یعنی عَلم و کُتل که یکی مشابه نخل است و دیگری مشابه سرو، درآمده است. و این امر امروزه به صورت یکی از رسوم نمادین اصلی از دین اسلام درآمده است» (انصاری، ۱۳۷۸، ص ۱۱۹).

در قرآن کریم چندین مرتبه از «درخت» نام برده شده و به آن مثل زده شده است. مفسران از درختان نام‌برده در قرآن برداشت‌های متفاوتی داشته‌اند. برخی از مفسران، درخت ممنوعه بهشتی را درخت دانش و معرفت می‌دانند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۳۴؛ ترجمه تفسیر طبری، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۵۲-۵۳). عرفا با برداشت معنای دانش و معرفت از درخت در گفته‌های یهودی و تفاسیر آیات قرآنی، درختی را که آدم با خوردن از آن خوب و بد را شناخت، به درخت دانش و معرفت تفسیر کرده‌اند (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۴۸).

لینگنز در مورد جایگاه درخت در عرفان بر این عقیده است که درخت در روایت‌های عرفانی، نماد حیات روحانی است که تجربه و حضور امر قدسی در آن وجود دارد. حضور امر قدسی می‌تواند در شخصیت پیری تصور شود که سالک در زیر یا کنار درختی با او ملاقات می‌کند. پیر و سالک راه‌یافته می‌تواند تشخیص درخت حیات شود؛ زیرا با رسیدن به مقام معنوی، به (جاودانگی یا) تولدی دیگر رسیده است (لینگنز، ۱۳۸۳، ص ۴۰).

عرفای مسلمان برای اینکه بتوانند تجلی خداوند را تبیین کنند، گاهی از نماد درخت بهره می‌جستند. عین‌التضات همدانی، از عرفای بزرگ، آورده است: درخت سدره (در قرآن) - که نور، آن را احاطه کرده و کسی جز پیامبر اکرم ﷺ آن را ندیده - درخت ربوبیت است. «ای دوست! اذ یغشی ما یغشی» درخت ربوبیت است که عبودیت، ثمره آن آمده است» (همدانی، ۱۳۴۱، ص ۲۷۶). در جای دیگر، به‌طور ضمنی دنیا را سایه درختی می‌داند



که در داستان موسی علیه السلام خداوند بر آن تجلی کرد (همان، ص ۳۰۷). ابن عربی هم در رساله‌ای به نام *شجرة الکون* جهان را درختی تصور کرده که از دانه کلمه مقدس «کون» به وجود آمده و رسول اکرم صلی الله علیه و آله که نور حقیقت محمدیه است، ریشه و میوه آن درخت کیهانی است. این درخت، اغلب به معنای محور جهان، در مرکز و ناف زمین مستقر است (شایگان، ۱۳۶۲، ص ۳۲۸).

#### ۴. بحث و بررسی

در بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص درختان مقدس، معمولاً مواردی چون مشخصه‌های مادی و ظاهری درخت، گونه‌شناسی درخت، نمادپردازی درخت، ارتباط آن با عناصر ماورای طبیعی و آیین‌های مرتبط با آن مورد توجه بوده است. طبق بررسی صورت گرفته، تقدس درخت در جهان در بسیاری از پژوهش‌ها به حدود سی عامل نسبت داده شده است (دافنی، ۲۰۰۶م، ص ۷). گرچه تعدادی از آنها به سرزمین یا منطقه خاصی مربوط هستند، اما بسیاری از آنها بنا بر ویژگی‌های خاص این پدیده و تأثیری که در زندگی انسان‌ها در همه جا دارند، مشترک هستند. این عوامل عبارت‌اند از:

۱. اعتقاد به اینکه درخت محل سکونت، روح یکی از اولیا یا قدیسین بوده است.
۲. فرد مقدسی در نزدیک یا در زیر درخت مدفون است.
۳. وقایع زیر درخت: کافی بود که پیامبر، امام یا مرشدی زیر درخت دعا یا موعظه کند و تعلیم دهد و حتی در زیر آن استراحت کند، تا آن درخت مقدس گردد.
۴. درخت به یک پیامبر اختصاص داده شده است؛ مثل درختانی که به حضرت خضر علیه السلام منسوب‌اند. الخضر به معنای «سبز» است. دروزی‌های فلسطین، لبنان و سوریه بر این باورند که این پیامبر ارتباط نزدیکی با درختان مقدس دارد. گفته شده است: در هر مکانی که ایشان می‌نشست، آن مکان به رنگ سبز درمی‌آمده (همان). در ایلام درخت بادام کوهی مقدس شمرده می‌شود که نباید آن را برید و باور بر این است که عصای خضر از چوب این درخت ساخته شده است (اسدیان خرم‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۴). همچنین در اینجا می‌توان به درختان سروی اشاره کرد که در متون تاریخی بعد از اسلام آمده و منسوب به زرتشت بودند و به فرمان *متوکل عباسی* قطع شدند.
۵. درختی که یادآور واقعه‌ای باشد و آن واقعه در ارتباط با اولیا، قهرمانان یا پادشاهان یا افراد تأثیرگذار باشد.
۶. درختی که نشان‌دهنده راه به سوی یک مکان مقدس بوده است؛ مثل درخت عناب شعیب نبی در اورشلیم.
۷. اعتقاد به اینکه درخت از وسایل یک فرد مقدس، مثلاً از عصای او، جوانه زده است.
۸. درختی که در بیابان سایه ایجاد کرده است.
۹. درختی که بر روی مزار یک قدیسی روییده است.
۱۰. شکل، اندازه و عمر درخت.

۱۱. اعتقاد به قدرت شفادهندگی یک درخت. در ایران بسیاری از این درختان وجود دارند که معمولاً بر تنه آنها گره‌هایی از پارچه و نخ می‌بندند؛ مثل درخت چنار زیارت در روستای دارخور کنار مقابل امامزاده یحیی تهران که برای شفای کودکان بیمار، بر آن نخ یا پارچه می‌بندند.
  ۱۲. اعتقاد به اینکه درختی جایگاه نیروهای فراطبیعی است.
  ۱۳. گونه‌های خاصی از درختان همواره متبرک یا مقدس‌اند.
  ۱۴. درخت یادآور معجزاتی است که در مجاورت آن اتفاق افتاده؛ که معروف‌ترین آنها درخت انجیری است که بودا زیر این درخت به روشن‌شدگی رسید.
  ۱۵. اعتقاد به اینکه درخت مقدس مرکز ارواح نیاکان است.
  ۱۶. نزدیکی درخت مقدس به منبع آب‌ها یا سرچشمه‌های مقدس.
  ۱۷. درختی که در مکان‌های مقدس یا در مزارها و معابد مقدس روئیده (بلکن اشاره می‌کند که درختان (در مصر) از آن جهت مقدس‌اند که در محل قتل یک فرد مقدس روئیده‌اند و روح او را دربر گرفته‌اند. او همچنین بیان می‌کند که این امر بسان افسانه‌ی روئیدن انجیر مصری از کالبد اوزیریس است (بلاکمن، ۱۹۲۵م، ص ۳۳۹). در دین زرتشت نیز درخت انار از تقدس برخوردار بوده است. این نوع معمولاً در آتشکده‌ها کاشته می‌شد و شاخه‌های آن برای «برسم» به کار می‌رفت).
  ۱۸. میزان فایده و ثمربخشی یک درخت.
  ۱۹. درختی که باعث ایجاد یک فضای معنوی گردید.
  ۲۰. تقدس بخشیدن به درختی / جنگلی با هدف حفاظت از آن.
  ۲۱. درختان مقدسی که در مکان‌های مرتفع هستند، مسکن خدایان‌اند.
  ۲۲. در درون درخت مقدس، فرشته، جن یا شیطانی قرار دارد که از آن حفاظت می‌کند.
  ۲۳. درختی که توسط یک پیامبر، ولی، قدیس و... غرس شده باشد.
  ۲۴. ارتباط با یک مفهوم خاص در سنت دینی؛ زارکون بیان می‌کند که بعضی درختان به دلیل ارتباطشان با یک معنای خاص، در سنت اسلام مقدس‌اند. در این صورت، تقدس درخت ممکن است برای این باشد که درخت بخشی از ماوراءالطبیعه در نظر گرفته شده است (زرکان، ۲۰۰۵م، ص ۴۱). برای نمونه، می‌توان به چند درخت بلوط در جوانرود و پاوه اشاره کرد که بسیاری از مردم بار درخت بلوط را مائده‌ای بهشتی و مقدس می‌دانند و بدان دخیل می‌بندند.
- ممکن است مواردی که ذکر شدند، کمابیش در دوره‌ها و مناطق مختلف ایران وجود داشته باشند؛ اما به‌نظر می‌رسد که تمام دلایل شناخته‌شده برای تقدس درختان را می‌توان در دو دسته کلی طبقه‌بندی کرد. تفاوت اساسی میان این دو عامل این است که عامل نخست ریشه در ابتدای تاریخ دارد و هرچه به‌سوی دوران جدید

پیش می‌رویم، هم به دلیل افزایش آگاهی‌های علمی و گیاه‌شناختی و هم به دلیل تضادی که با اندیشه دینی دارد، از تأثیر و اهمیت آن کاسته می‌شود؛ اما مورد دوم، به ایران بعد از اسلام مربوط است که با مفاهیم و تعالیم دینی در ارتباط است و همچنان مورد توجه مردم، به‌ویژه روستاییان است. این دو عبارت‌اند از:

#### ۱-۴. رازناک بودن درختان مقدس در شکل، اندازه و طول عمر

درختان بزرگ همواره تجلی تقدس و تعالی خداوند هستند. در برخی موارد، بزرگی و همیشه سبز بودن یک درخت، ویژگی‌های مهمی تلقی شده و به تقدیس آن انجامیده‌اند. ظاهراً تخیلات انسان‌های ابتدایی این نوع از درختان را خدا، فرشته یا اهریمن تلقی کرده است. ارتفاع بالای یک درخت باعث می‌شد که معتقدان، آن را به خدا یا عالم بالا نزدیک‌تر حس کنند و حتی آن را واسطه نزدیکی یا رسیدن به خدا بدانند. در بعضی مواقع نیز دلیل تقدس یک درخت، نه اندازه آن، بلکه ظاهر غیرطبیعی و عجیب درخت بود که موجب حیرت می‌شد.

#### ۳-۴. ارتباط درختان مقدس با یک روح مقدس

رایج‌ترین علت تقدس درختان در کشورهای اسلامی، اعتقاد به آنها به‌عنوان جایگاه ارواح قدیسین یا اولیای خداست. مسلمانان اولیا را شفیعان در نزد خدا می‌دانند. در قرآن کریم اولیاءالله کسانی‌اند که به درجه عالی ایمان و عبودیت رسیده‌اند. برخورداری از این مرتبه از ولایت، موجب می‌شود که انسان نوعی ولایت تکوینی بر عالم پیدا کند و بتواند در آن تصرف نماید؛ چنان که سرپرستی دیگر انسان‌ها و تدبیر امور آنان نیز از سوی خداوند به چنین انسان‌هایی واگذار می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۹۰).

در اغلب سرزمین‌های اسلامی، از جمله در شمال آفریقا، خاورمیانه و ایران، یک درخت مقدس ارتباط نزدیکی با مقبره اولیا و افراد مقدس دارد. درختانی که زیر آنها مقدسین مدفون شده‌اند، «درخت مقدس» محسوب می‌شوند. پیدایش درخت مقدس از مقبره مقدس، ریشه در قدرت‌های جادویی و اعجاب‌آور شخص مقدس دارد. وسترمارک بیان می‌کند که وجود باغ‌های مقدس در اطراف مقبره‌های مقدس، ممکن است در نتیجه اکراه مردم از قطع این درختان به دلیل ترس از نارضایتی روح مقدس باشد (وسترمارک، ۱۹۶۸م، ص ۷۴). در مورد درختان قدمگاه، اعتقاد رایج این است که آنها دارای معجزه و کرامت هستند. به این درختان، دار مزار گفته می‌شود و اعتقاد به معجزه و کرامت در آنها باعث بستن دخیل به آنها می‌گردد. برای مثال، درختان بلوط، به‌ویژه اگر در اماکن مقدس روییده باشند، نظرکرده محسوب می‌شوند و مردم با لمس کردن یا تماس با آنها برآورده شدن آرزوها و حاجاتشان را می‌طلبند (متین، ۱۳۹۲، ص ۴۷). در منطقه مسنی مردم به درخت بلوط مقدس، پیر بلیطی یا پیر بلوطی می‌گویند و با بستن لته و کهنه لباس به آن، حاجات خود را می‌خواهند (همان، به نقل از حبیبی فهلیانی، ۱۳۷۱، ص ۴۷۵). همچنین می‌توان به درخت انجیر کهنسال در جوار مقبره شیخ احمد جام اشاره داشت که مردم برگ و میوه آن را به تبرک می‌برند؛ همین‌طور درختان انجیر معابد در جزیره کیش که مردم بر این باورند که آنها شگون دارند. نمونه‌های

دیگر درختان حیاط امامزاده‌ها در گیل و دیلم، سرو فراغه در سی کیلومتری ابرقو و درخت «گره» در استان مرکزی هستند که مردم بر آنها نذر و نیاز می‌کنند و آنها را با ارواح مقدس مرتبط می‌دانند.

### نتیجه‌گیری

پرستش درختان در گذشته عنصری مهم در مذاهب اولیه بشر، به‌ویژه نژاد آریایی بوده است. یکنواختی آیین‌ها و جشن‌های مربوط به درختان مقدس در تمامی کشورهای جهان، به‌سادگی نشانگر این ادعاست. پرستش درخت در این زمان یک موضوع کاملاً عادی و رایج بود. این درختان به‌عنوان جایگاه اجنه و ارواح پرستش می‌شدند و طوری با آنها رفتار می‌شد که گویا دارای ویژگی‌های خداگونه‌اند. بنابراین، تقدس درخت بین مسلمانان اثری برجای‌مانده از پرستش ارواح درختان یا الهه‌ها از دوره‌های باستانی است که قالب آن تغییر یافته است و ارواح درختان / الهه‌ها / خدایان جای خود را به ارواح اولیا و عرفا داده‌اند.

این مطالعه نشان داد که تکریم درختان مقدس در سرزمین‌های اسلامی و نیز در ایران، عمدتاً با ستایش پیامبران، اولیای خدا و با وقایع و اعمال پیامبران و رهبران دینی مرتبط است.

## منابع

- کتاب مقدس، ۱۳۶۶، چ دوم، تهران، انجمن کتاب مقدس ایران.
- الیاده، میرچا، ۱۳۹۴، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، سروش، تهران.
- اسدیان خرم‌آبادی، محمد و دیگران، ۱۳۵۸، باورها و دانسته‌ها در لرستان و ایلام، تهران، علمی فرهنگی.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم، ۱۳۸۷، اسطوره آفرینش در آیین مانی، چ چهارم، تهران، کاروان.
- انصاری، مجتبی، ۱۳۷۸، ارزش‌های باغ‌های ایرانی (صفوی اصفهان)، تهران، دانشگاه تهران.
- ایونس، ورونیکا، ۱۳۸۱، اساطیر هند، ترجمه محمدرضا باجلان فرخی، تهران، اساطیر.
- بهار، مهرداد، ۱۳۹۰، بندهش، چ چهارم، تهران، توس.
- ، ۱۳۶۹، بندهش، تهران، توس.
- بهرامی، وحیده، ۱۳۹۳، «بررسی پدیده درختان مقدس»، میسر، ش ۸، ص ۴۵-۵۹.
- پاشایی، عسگری، ۱۳۸۶، بودا، چ نهم، تهران، نگاه معاصر.
- پورخالقی چترودی، مهدخت، ۱۳۸۷، درخت شاهنامه (ارزش‌های فرهنگی و نمادین درخت در شاهنامه)، مشهد، آستان قدس رضوی.
- پورداد، ابراهیم، ۱۳۴۳، آناهیتا، به کوشش مرتضی گرگی، تهران، بی‌نا.
- خجسته، فرامرز و محمدرضا حسنی جلیلیان، ۱۳۸۹، «تحلیل داستان سیاوش بر بنیاد ژرف‌ساخت اسطوره‌ی الهه باروری و ایزد گیاهی»، تاریخ ادبیات، ش ۶۴، ص ۷۷-۹۶.
- دوبو کور، مونیک، ۱۳۹۴، زمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری، چ پنجم، تهران، مرکز.
- ژیران، فلیکس، لا کوئه، جی. و لویی ژوزف دلاپورت، ۱۳۸۶، اساطیر آتسور و بابل، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، چ سوم، تهران، کاروان.
- سیرلو، خوان ادواردو، ۱۳۹۲، فرهنگ نمادها، ترجمه مهرانگیز اوحدی، تهران، دستان.
- شایگان داریوش، کرین، ۱۳۷۳، آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، ترجمه باقر پرهام، ج ۲، تهران، فرزانه.
- شایگان، داریوش، ۱۳۶۲، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، چ دوم، تهران، امیرکبیر.
- صدقه، جان، ۱۳۷۸، «درخت در اساطیر کهن»، ترجمه محمدرضا ترکی، شعر، ش ۲۶، ص ۱۴۰-۱۴۵.
- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۰، المیزان، ج ۱۰، قم، مؤسسه علمی مطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه گروه مترجمان، تهران، فراهانی.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۳۵۶، تفسیر طبری، ترجمه گروه مترجمان، تهران، توس.
- فرهادی، مرتضی، ۱۳۷۲، «گیاهان و درختان مقدس در فرهنگ ایرانی»، آینده، ش ۴-۶، ص ۳۲۰-۳۲۹.
- فرهوشی، بهرام، ۱۳۵۵، جهان فروری، تهران، دانشگاه تهران.

فریزر، جیمز جرج، ۱۳۸۸، *شاخه زرین*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران، آگاه.

فریناز، فریود و محمد طاووسی، ۱۳۸۱، «بررسی تطبیقی مفهوم نمادین درخت در ایران»، *مدرس هنر*، ش ۲، ص ۴۳-۵۴.

فیشر، رابرت. ای، ۱۳۸۳، *نگارگری و معماری بودایی*، ترجمه ع. پاشایی، تهران، فرهنگستان هنر.

کرتیس، وستا سرخوش، ۱۳۸۷، *اسطوره‌های ایرانی*، ترجمه عباس مخبر، چ ششم، تهران، مرکز.

کوپر، جی.سی، ۱۳۹۸، *فرهنگ نمادهای آیینی*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران، علمی.

لینگز، مارتین، ۱۳۸۳، *عرفان اسلامی چیست؟*، ترجمه فروزان راسخی، ویرایش مصطفی ملکیان، چ سوم، تهران، سپهرودی.

متین، پیمان، ۱۳۹۲، *مردم گیاه*، تهران، فرهامه.

مزدایور، کنایون، ۱۳۸۷، «نگاهی به خورد و خوراک در ایران باستان»، در: *خوراک و فرهنگ*، به کوشش علیرضا حسن‌زاده، تهران،

سازمان میراث فرهنگی.

مقدم ماهری، فریبا، ۱۳۹۴، *مطالعه تطبیقی درخت و نمادها هنری آن در ایران باستان و هند باستان*، تهران، دانشگاه تهران.

مؤیدمحسنی، مهری، ۱۳۸۱، *فرهنگ عامیان سیرجان*، کرمان، بنیاد کرمان‌شناسی.

میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، ۱۳۷۱، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، چ پنجم، تهران، امیرکبیر.

هاکس، جیمز، ۱۳۴۶، *قاموس کتاب مقدس*، طهوری، تهران.

هدایت، صادق، ۱۳۳۴، *نیرونگستان*، تهران، امیرکبیر.

همدانی، عین‌القضات، ۱۳۴۱، *تمهیدات*، تهران، دانشگاه تهران.

همیلتون، ادیت، ۱۳۸۷، *اساطیر یونان و روم*، ترجمه عبدالحسین شریفیان، چ سوم، تهران، اساطیر.

هینلز، جان. آر، ۱۳۸۵، *اساطیر ایران*، ترجمه محمدرضا باجلان فرخی، تهران، اساطیر.

Blackman AM, 1925, "Sacred trees in modern Egypt", *Journal of Egyptian Archaeology*, Vol.9, p.56-57.

Canaan T, 1958, *Mohammedan Saints and Sanctuaries in Palestine Jerusalem*, Ariel, (Originally published 1927-1928, rep n.d.)

Curtiss SI, 1902, *Primitive Semitic Religion to-Day London*, Hodde and Stoughton.

Dafni A, 2006, "On the typology and worship status of sacred trees with a special reference to the Middle East", *Journal of Ethnobiology and Ethnomedicine*, Vol.3, p.2-26.

Dieulafoy, Jane, 1989, *La perse, la Chaldee et la Susiane, paris*, Librairie Hachette et Cia.

Eliade M, 1959, *The Sacred and the Profane New York*, Harcourt, Brance & World Inc.

Eliade, Mircea, 1954, *Tratado de historia de las religions*, Madrid.

Elworthy T. F, 1958, *The Evil Eye*, New York, Julian Press.

*Encyclopedia Britannica*, World tree, Written By: The Editors of Encyclopedia,  
<https://www.britannica.com/topic/world-tree>

Fergusson .J, 1868, *Tree and Serpent Worship*, London: WH Allen.

Folkrad, R, 1892, *plant lore legends and lyrics London*, Sampson bow, parson Company.

Frazer JG, 1981, *The Golden Bough: The Roots of Religion and Folklore*, New York, Avenel Books.

Frese PR, Gray SJM, 1995, *Trees*, In The Encyclopaedia of Religion, Edited by: Eliade M. New York, Macmillan Library Reference USA, Simon and Schuster and Macmillan, Vol.15, p.26-33.

Gupta SS, 1965, *Tree Symbols and Worship in India – a New Survey of a Pattern of Folk Religion Calcutta*, Indian Publications.

Hughes JD, Chandran MDS, 1998, *Sacred groves around the earth: an overview*, In Conserving the Sacred for Biodiversity Edited by: Ramakrishnan PS, Saxena K.Chanderashekar V. New Delhi, Oxford and JBH Publishing Co, p.869-876.

Lechier, George. 1937. "The tree of life in Indo-European and Islamic Cultures", *Ars Islamica*, vol. 4, p.65-78.

Westermarck E, 1968, *Ritual and Belief in Morocco New York*, University Press Book.

Zarcone T, 2005, *Stone people*, tree people and animal people in Turkic Asia and Eastern Europe, Diogenes, 207:p.35-46.